

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسایه عرفان

شرح حال آیت الله آملی رحمته الله

تألیف

صادق حسن زاده

با همکاری

مسعود پیرانی



قم - خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه همکف - پلاک ۸۴ تلفن: ۷۷۳۹۵۲۵

در سایه عرفان

مؤلف / حجة الاسلام صادق حسن زاده

ناشر / انتشارات قائم آل محمد علیه السلام

نوبت چاپ / اول - ۱۳۸۴

چاپخانه / نوید اسلام

شمارگان / ۵۰۰۰ نسخه

قیمت / ۷۰۰ تومان

شابک: ۳-۴-۹۶۱۶۵-۹۶۴ ۳-۴-۹۶۱۶۵-۹۶۴ ISBN: 964 - 96165 - 4 - 3

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۷	مختصری از شرح احوال و آثار استاد محمدتقی آملی
۲۰	نوری در تاریکی
۲۰	مکالمه با امام زمان علیه السلام
۲۲	توسّل به حضرت باب الحوائج موسی بن جعفر علیه السلام
۲۳	شفای چشم دخترم به عنایت حضرت ابوالفضل علیه السلام
۲۴	مکاشفه در حرم حضرت علی علیه السلام
۲۵	دیدار با امام زمان علیه السلام
۲۶	یا مهّدی آذر کُنی
۲۶	مکاشفه در قبرستان شیخان
۲۷	شان انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام را بشناسیم
۲۹	از کجا فهمیده اید؟!
۳۰	رمز موفقیت
۳۱	لیلة القدر؟
۳۲	نمونه علم و عمل
۳۳	نشانی داده اندت از خرابات

۳۳	چگونه کلاس اخلاق تشکیل شد؟
۳۶	افتدای امام خمینی به آیت الله العظمی آملی
۳۶	تدریس آیت الله آملی
۳۷	عالم اعلم
۳۸	جدیت در تحصیل
۳۸	برخورد یکسان با ثروتمند و تهیدست
۳۹	اخلاق شایسته
۴۰	دعوت به دانشگاه تهران
۴۱	نذر چهارده هزار صلوات
۴۲	سفارش امام خمینی درباره آیت الله آملی
۴۳	سفر آموزنده
۴۳	فروتنی
۴۴	رو به سوی خدا
۴۵	درس علمی و عملی
۴۷	عارف وارسته
۴۸	درس فلسفه و عرفان
۴۹	حل اختلاف
۴۹	اخلاق در خانواده
۵۰	چیزی از عمر ما باقی نیست
۵۱	آمادگی کامل برای ارتحال

۵۲	در اوج ادب
۵۳	یا علی ادرکنی
۵۴	تجلیل از روش فقهی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی
۵۴	معرفی استادان برجسته
۵۵	آیت الله نگویید!
۵۶	آماده باش
۵۷	دشمن درونی
۵۸	روش درس خواندن در حوزه
۵۹	فقط ذکر «الحمد لله»
۵۹	دو گوهر ناب
۶۰	گسترده‌گی رحمت خدا
۶۱	حمایت آیت الله آملی از امام خمینی
۶۳	کفاره اقامت در تهران
۶۳	کوشانپور مرد عجیبی است!
۶۴	طلب استخاره آیت الله آملی
۶۶	تحمل نکردن اسم اعظم
۶۷	آیت الله آملی برای شهید شیخ فضل الله نوری گریست
۶۸	قصیده ادیب پیشاوری در رثای شهید نوری
۷۳	مشورت برای انتخاب
۷۴	تجلیل از دوست

- ۷۵ ارتباط بعد از ارتحال
- ۷۷ آه! رفت از دنیا تقی آملی
- ۷۸ خودنوشت مفصل آیت الله شیخ محمدتقی آملی
- ۹۲ ترجمه متن شرح حال آیه الله محمد آملی
- ۹۲ در طلب علوم عقلی و نقلی
- ۹۳ در فضیلت علم و دانش
- ۹۵ چه عالمی امانت دار پیامبران است؟
- ۹۶ بیان چگونگی گذراندن عمر و شکوه از زمانه
- ۹۸ پیدایش آتش فتنه و بدعت
- ۹۸ مبارزه اهل حق با بدعت‌ها و موضعگیری مخالفان
- ۹۹ تبعید به دیار غربت
- ۱۰۰ بازگشت به وطن و وفات
- ۱۲۲ اجازه اجتهاد دیگر از آیت الله زنجانی
- ۱۲۳ اجازه نامه از آیت الله عبدالنبی نوری
- ۱۲۴ اجازه اجتهاد از علامه نائینی
- ۱۲۷ اجازه اجتهاد از آیت الله اصفهانی
- ۱۲۷ اجازه اجتهاد از آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی
- ۱۳۱ تقریظ آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی رضوان الله علیه

پیشگفتار

جوانان عزیز با آگاهی از قدرت معنوی و عرفانی بزرگانی چون امام خمینی و علامه طباطبائی، که در دنیای معاصر منادی معنویت بودند، در حیرت می‌افتند و از حالات شورانگیز آیت‌الله آقاشیخ محمدتقی آملی و آقا شیخ محمدتقی بهجت، شگفت زده می‌شوند و از خود می‌پرسند به این همه توفیق چطور و چگونه دست یافته‌اند؟ و آیا برای همگان چنین مقاماتی امکان‌پذیر است؟ در پاسخ باید گفت که در ورای این چهره‌های محبوب، استادهای بزرگی چون میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (وفات: ۱۳۴۳ ه.ق.) و میرزا علی آقا قاضی تبریزی (وفات: ۱۳۶۶ ق) قرار دارند و بیشتر توفیقات آنان در امر خودسازی، در سایه زحمات بی‌شائبه این استادان علم و عرفان بوده است. البته این بزرگواران نیز «در جستجوی استاد» بسیار زحمت کشیده‌اند تا چنین توفیقی نصیب‌شان گشته چنانکه آقاشیخ محمدتقی آملی در «خودنوشت» شان مرقوم فرموده‌اند:

«تا سنین ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ و ۱۳۵۹ ه.ق، نه آن‌که خود را

مستغنی دیدم، بلکه ملول شدم چه آن‌که طول ممارست از

تدرّس و تدریس و مجالس تقریر تا جار حرم در صحن
 مطهر منعقد می‌داشتیم خسته شدم. به علاوه کمال نفسانی در
 خود نیافتم، بلکه جز دانستن چند مُلَفَّقاتی که قابل هزاران
 نوع اعتراض بود چیزی نداشتیم. و همواره از خستگی ملول
 و در فکر برخورد با کاملی وقت می‌گذراندم. و به هر کس
 می‌رسیدم با ادب و خضوع، تجسّسی می‌کردم که مگر از
 مقصود حقیقی اطلاعی بگیرم. در خلال این احوال به
 سالکی ژنده‌پوش برخوردیم و شبها را در حرم مطهر
 حضرت مولی‌الموالی - اروا خافداً عَیَّته - تا جار حرم با ایشان
 به سر می‌بردیم. و او اگر چه کامل نبود لکن من از صحبتش
 استفاداتی می‌بردم. تا آن‌که موفق به ادراک خدمت کاملی
 شدم و به آفتابی در میان سایه برخوردیم و از انفاس قدسیّه او
 بهره‌ها بردم...»

آن عارف کامل همان میرزا علی آقا قاضی بودند. جمله معروف و
 ارزنده مرحوم قاضی نیز در اهمّیت دستیابی به استاد کامل، برای اهل
 کتاب آشناست که فرموده‌اند: «کسی که به استاد رسید، نصف راه را طی
 کرده است!»^(۱)

ولی مسأله بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در این خصوص، که می‌شود
 گفت مرز هدایت و هلاکت است، همین تشخیص «استاد» از «استاد

نما» هاست.

چه بسا افرادی که می‌پندارند همین که چند مکاشفه و مشاهده برایشان رخ داد، عارف کامل شده‌اند و می‌توانند به تربیت شاگرد بپردازند در حالی که یا استاد ندیده‌اند یا استاد کامل نصیب‌شان نشده و یا این که استاد دیده‌اند ولی تا پایان راه نیامده‌اند و آن راه پرفراز و نشیب را ادامه نداده‌اند هر چند حالاتی - در حدّ مرتاضان هندی - دارا باشند که برای شاگردان و مریدانشان شگفت‌انگیز ولی از دیدگاه عارفان کامل، کم‌ارزش و جنجال برانگیز است.

برای همین است که علامه حسن زاده آملی می‌فرماید: «الهی، شکر که از استادان بی‌رنگ، رنگ گرفته‌ام!»^(۱) و آیت‌الله سعادت‌پرور نیز می‌فرماید: «چنانچه استاد خود، استاد شایسته ندیده و یا کامل نبوده و یا عقاید خود را با مبانی اسلام منطبق نکرده باشد، نه تنها خود در گمراهی است، بلکه دیگران را نیز به مهلکه و اشتباه انداخته و باعث تضییع عمر و نابودی جسم آنان می‌گردد. و حتی اگر کسی با جذب، به مطلوب و گوهر یکتای هستی دست یافته باشد، اگر چه کامل باشد، نمی‌تواند راهنمای دیگران گردد، زیرا خود راه و چاهی ندیده ... چنانچه از قرائن و شواهد برمی‌آید، خواجه (حافظ شیرازی) در ابتدای سیر و سلوک «اویسی»^(۲) بوده و چون پس از مجاهدات و ریاضات زیاد نتوانسته بدون

۱- «الهی نامه آملی» ص ۴۳.

۲- یعنی می‌خواسته خود به خود چون اویس قرنی به گوهر مقصود راه یابد.

استاد از طریق کشف و شهود به معارف اسلامی دست یابد، می‌گوید:

گذاخت جان که شود کار دل تمام و نشد

بسوختیم در این آرزوی خام و نشد

فغان که در طلب گنج گوهر مقصود

شدم خراب جهانی زغم تمام و نشد

دریغ و درد که در جستجوی گنج حضور

بسی شدم به گدایی بَرِ کرام و نشد^(۱)

و لذا به همین جهت دیگر سالکان را راهنمایی کرده و می‌گوید که

نباید بدون استاد در این راه قدم بگذارند، زیرا وی سالها این روش را تجربه نموده است که می‌گوید:

به‌کسوی عشق مَنِه، بی‌دلیل راه، قدم

که من به‌خویش نمودم صد اهتمام و نشد^(۲)

... و در چند مورد از استاد و راهنمای کامل سخن می‌گوید و این که

استاد غیر کامل نمی‌تواند راهنما باشد:

مرا دل ز که جویم که نیست دلداری

که جلوه نظر و شیوه کرم دارد

زجَب خرقه حافظ چه طرف بتوان بست

که ما صَمَد طلبیدیم و او صَنَم دارد^(۳)

۱- دیوان حافظ، چاپ قدسی، غزل ۲۳۳. ۲- همان.

۳- همان، غزل ۱۹۱.

*

مرید طاعت بیگانگان مشو حافظ

ولی معاشر رندان آشنا می‌باش^(۱)

*

دردم نهفته به ز طیبیان مدعی

باشد که از خزانه غیبش دوا کنند^(۲)

*

طیب‌ب‌راه‌نشین، دردم‌عشق نشناسد

برو به دست‌کن‌ای مرده دل مسیح‌دمی^(۳)

و در مواردی به لزوم تبعیت از استاد سفارش کرده ...^(۴)

عارف کامل میرزا علی‌آقا قاضی نیز بر این امر تأکید فرموده‌اند که: «آهَمّ از آنچه در این راه لازم است، استاد خیبر و بصیر و از هوا بیرون آمده و به معرفت الهیه رسیده و انسان کامل است، که علاوه بر سیر الی الله، سه سفر دیگر را طی نموده و گردش و تماشای او در عالم خلق بالحقّ بوده باشد.»^(۵) اگر چنین استادی نصیب سالک شد چون علامه طباطبایی می‌گوید: «ما هر چه داریم از مرحوم قاضی داریم ...»^(۶)

علامه طهرانی می‌فرماید: «گویند علت انحراف حسین بن منصور

۲- همان، غزل ۲۷۸.

۱- همان، غزل ۳۳۳.

۴- «جمال آفتاب» ۱۱/۳-۲۲.

۳- همان، غزل ۵۶۶.

۵- «سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم» ص ۱۷۶، تحقیق: علامه طهرانی.

۶- «اسوه عارفان» ص ۷۱.

حلاج در اذاعه و اشاعه مطالب ممنوعه و اسرار الهیه، فقدان تعلّم و شاگردی او در دست استاد ماهر و کامل و راهبر راهرو و به مقصد رسیده بوده است. او از نزد خود به راه و سلوک افتاد و بدین مخاطر مواجه شد و لذا بزرگان از ارباب سلوک و عرفان، او را قبول ننموده و ردّ کرده‌اند و در مکتب معرفت دارای وزنی به شمار نیآورده‌اند ... در مکتب تربیتی آیه الحقّ مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی - رضوان الله علیه - هیچ‌یک از این خطرات در هیچ‌یک از شاگردان او دیده نشده است. با این‌که هریک از آنها در آسمان فضیلت و کمال چنان درخشیدند که تا زمان‌هایی را بعد از خود روشن نموده و در شعاع وسیعی اطراف محور و مرکز وجود مثالی و نفسی خود را نور و گرمی بخشیده و می‌بخشند ...»^(۱)

بزرگان علم و عرفان درباره لزوم استاد و ویژگیها و شرایط آن مطالب زیادی فرموده‌اند که مقام گنجایش همه آن مطالب را ندارد.^(۲) فقط همین قدر گفته شد تا جوانان مشتاق مطالب عرفانی، گرفتار عده‌ای استادانما نشوند و روح ظریف و لطیف خود را در اختیار این طبییان مدّعی قرار ندهند که لطمه‌های فراوان خواهند خورد و بعد از گرفتاری در پنجه این عارف‌نماها، جدایی از آنان مشکل خواهد بود. این حقیر با

۱ - «طیب دله» ص ۹۹.

۲ - برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب «بحر المعارف» همدانی و «روح مجرّد» علامه طهرانی.

اعتراف به این که «مقلسانیم هوای می و مُطرب داریم» و از باب «أُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَلَسْتُ مِنْهُمْ»، با اطلاع از قَلَّتْ بضاعت خویش به معرفی برخی از وارستگان و فرزندگان اخلاق و عرفان پرداخته‌ام که در این راستا کتابهای «اسوۀ عارفان»، «طیب دلها» و «عارف ناشناخته» را به رشته تحریر درآورده‌ام و اینک کتاب «در جستجوی استاد» را تقدیم حضور اهل کتاب می‌نمایم. این نوشتار در شرح حال عارف فرزانه، استوار بر پیمان عارفانه، سرمست از پیمانۀ جانانه، مفتخر به دیدار جان‌جان‌حضرت امام زمان علیه السلام یعنی حضرت آیت‌الله العظمی آقا شیخ محمد تقی آملی رحمته الله قدس سره است ایشان تربیت شده مکتب عرفانی میرزا علی آقا قاضی است چنانکه علامه طهرانی در این باره می‌نویسند: «جمع کثیری از اعلام به یمن تربیت او در احقاب مختلف، در مسیر حقیقت قدم برداشتند و صاحب کمالات و مقامات گشتند و از وارستگان و پاکان و آزادگان شدند و به نور معرفت توحید منور و در حرم امن وارد و عالم کثرت و اعتبار را در هم نور دیدند. از جمله استاد گرانمایۀ ما علامه طباطبایی و برادر ارجمندشان آیه‌الحق مرحوم حاج سید محمد حسن الهی رحمته الله بودند... و از جمله آیات دیگری چون حاج شیخ محمد تقی آملی و حاج شیخ علی محمد بروجردی و حاج شیخ علی اکبر مرندی و حاج سید حسن مسقطی و حاج سید احمد کشمیری و حاج میرزا ابراهیم

سیستانی و حاج شیخ علی قسام و وصی محترم آن استاد حضرت آیت الله حاج شیخ عباس هاتف قوچانی، که هر یک از آنان به نوبه خود ستارگان درخشان آسمان فضیلت و توحید و معرفت اند.»^(۱)

نگارنده با آگاهی از ناتوانی خویش به یقین می داند که در شناساندن این شخصیت جامع که ستاره درخشان آسمان فضیلت و توحید و معرفت است موفقیت کامل نداشته و این نوشتار نیز با کاستی های فراوانی مواجه است که امیدوارم دوستان در این خصوص تلاش نمایند و همت خود را به کار گیرند تا مجموعه کامل ارایه نمایند.

در پایان بر خود لازم می دانم مراتب سپاس و قدردانی خویش را از خانواده محترم ایشان ابراز نمایم که در تحقق این امر حسن همکاری و لطف و عنایت را مبذول داشتند بخصوص آقازاده محترم ایشان جناب آقای دکتر کاظم آملی، صبیحه محترمه آیت الله آملی و حاج آقا سید محمد علی آل احمد طالقانی - نوه محترم آیت الله آملی - و از تمام شاگردان آن مرحوم که اطلاعات لازم را در اختیارمان گذاشتند کمال تشکر و امتنان را دارم هر چند نتوانستیم خدمت همه شاگردان آیت الله آملی برسیم و یا این که خدمتشان رسیدیم ولی آمادگی مصاحبه را نداشتند.

همچنین از برادر گرامی طلبه کوشا جناب آقای مسعود پیرانی

مراغی سپاسگزارم که در جمع‌آوری مطالب و برگزاری مصاحبه‌ها بسیار تلاش نمودند و با ما همکاری و همراهی لازم را به عمل آوردند. امیدوارم مراکز و مؤسسه‌های علمی و فرهنگی که امکانات لازم و شایسته‌ای دارند، گام‌هایی بزرگ در معرفی این بزرگان و وارستگان بردارند و آنان را به جوانان عزیز معرفی نمایند و جا دارد از دست‌اندرکاران محترم برنامه‌ارزنده «دیدار با فرزندگان» که توسط آقای دکتر عبدالله نصری برگزار می‌شود و از شبکه چهار صدا و سیما پخش می‌گردد، تشکر نمایم و توفیقات روز افزون این دل‌افروزان را از خداوند منان خواستار باشم که توانسته‌اند تا حدودی در معرفی فرزندگان اسلام گام بردارند. و همچنین لازم است از مسؤول محترم برنامه «سیمای فرزندگان» که سالهای سال صبح‌های جمعه از رادیو پخش می‌شود کمال تشکر را داشته باشم.

حوزه علمیه قم

زمستان ۱۳۸۰ - صادق حسن‌زاده